

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌های حقوق اسلامی

Manifestations of Corrupt Interactions among Judicial
Actors in Iran's Criminal Justice System

Authors: Fatemeh Soleiman Zadeh | Mahmood Saber

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248772.3855>

جستاری در مصادیق و جلوه‌های تعاملات فاسد در نظام عدالت کیفری ایران

نویسندگان: فاطمه سلیمان‌زاده | محمود صابر

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248772.3855>



Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.

Manifestations of Corrupt Interactions among Judicial Actors in Iran's Criminal Justice System

Fatemeh Soleiman Zadeh • PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran. f.soleimanzade@modares.ac.ir

Mahmood Saber • Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty
of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) m.saber@modares.ac.ir

Abstract

Context & Objective: Corrupt interactions among judicial actors within the criminal justice system can severely undermine the system's legitimacy in guaranteeing the implementation of justice and combating crime. Judicial corruption is recognized as one of the most destructive forms of institutional corruption, bearing direct consequences on citizens' rights, the legitimacy of the justice framework, and the stability of democratic structures. When the judicial apparatus, intended to ensure justice, becomes entangled in corrupt practices, it ceases its primary function and transforms into an impediment to justice. Such interactions often involve two or more individuals agreeing to violate legal procedures for mutual benefit, frequently remaining concealed due to the participants' self-interest and lack of reporting. In Iran, prevalent judicial corruption instances involve immoral communications and financial corruption based on explicit agreement. This research sought to meticulously investigate the corrupt interactions and relationships established between authorized officials and beneficiaries during criminal proceedings. The primary objective was to analyze the most significant manifestations of these interactions across various criminal procedural stages, articulate their diversity, and identify the specific legal authorities and existing laws that enable the formation of such environments.

Method & Approach: This study employed a qualitative research method focusing on the content analysis of documents and evidence. The documentary review included judicial and police rulings, discourse analysis of specific criminal justice officials, and content analysis of reports gathered from official domestic and foreign news agencies regarding publicized judicial corruption cases. Furthermore, the methodology incorporated deep, semi-structured interviews. The interview process continued until theoretical saturation was



reached, involving a sample of 30 participants. Interviewees included 10 judicial authorities (judges, investigators, assistant prosecutors), 5 judicial enforcement officers, 10 bar association lawyers, and 5 judicial administrative staff. Interviews were conducted across various locations, including specialized complexes for government employees and economic crimes, and general prosecutor's offices in Tehran and two provinces in the northwest of the country.

Findings: The findings demonstrated that the manifestation and nature of corrupt interactions vary significantly depending on the stage of the criminal process and the specific powers granted to the officials involved. In the preliminary investigation stage (prosecution), corrupt interactions largely focus on avoiding the formation of a criminal case, eliminating evidence of the crime, issuing disproportionate or lenient criminal guarantee orders, or closing the case entirely. Examples include the abuse of authority to decline case formation by providing non-objective information or through collusion with judicial enforcement officers to alter official reports or destroy evidence. Officials, particularly prosecutors, utilize broad discretion in determining the legal grounds for initiating prosecution. In the trial stage, interactions aim to improve the defendant's standing relative to the preliminary phase, leading to the rejection of prosecution decisions or evidence. Specific goals include securing acquittal, altering criminal guarantee orders, or ensuring conviction results in a more favorable or lenient sentence. Judges, possessing extensive discretion in sentencing and interpretation, may, for instance, refuse to record unfavorable statements from witnesses or experts or reduce the classification of the crime in the final ruling following corrupt agreements.

Conclusion: The research confirms that the preliminary investigation and prosecution stage is the most vulnerable environment for widespread corrupt interactions, primarily due to the vast, unsupervised authority vested in officials regarding evidence collection and case trajectory. However, court judges maintain significant power to shift the legal status of the accused by conducting new investigations, rejecting previous evidence, or utilizing judicial mechanisms like commutation, conditional release, or suspended sentences to achieve corrupt outcomes. The analysis underscores that the legal provisions granting wide discretionary powers facilitate the conditions necessary for these interactions. Consequently, the findings emphasize the critical necessity of providing suitable accountability mechanisms within the context of legal authorities to curb judicial corruption and maintain the system's integrity.

Keywords: Judicial Corruption, Criminal Proceedings, Criminal Justice, Judicial Justice, Corrupt Interactions, Habermas's Theory of Communicative Action.

جستاری در مصادیق و جلوه‌های تعاملات فاسد در نظام عدالت کیفری ایران

فاطمه سلیمان‌زاده • دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

f.soleimanzade@modares.ac.ir

محمود صابر • دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

m.saber@modares.ac.ir

(نویسنده مسئول)

چکیده

تعاملات فاسد کنشگران قضایی در نظام عدالت کیفری، می‌تواند مشروعیت این نظام را در تضمین اجرای عدالت و مبارزه با جرم، مخدوش کند. پژوهش حاضر، با هدف تحلیل مهم‌ترین مصادیق این تعاملات در مراحل مختلف دادرسی کیفری، با روش تحلیل محتوای اسناد و مدارک از جمله پرونده‌های مربوط به فساد قضایی رسانه‌ای شده، و همچنین بهره‌جویی از ۳۰ مصاحبه عمیق با وکلا و کنشگران قضایی سامان یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مرحله تحقیقات مقدماتی، تعاملات فاسد بیشتر با هدف اجتناب از تشکیل پرونده، حذف ادله جرم، صدور قرارهای تأمین نامتناسب یا ختم پرونده انجام می‌شود. در مرحله دادگاه، این تعاملات در جهت بهبود شرایط شخص نسبت به مرحله تحقیقات مقدماتی، رد تصمیمات متخذه در دادرسی و ادله اثبات شده، و نهایتاً صدور حکم بر براءت یا محکومیت شخص به مجازات مساعد، صورت می‌گیرد. کشف و تحلیل این مصادیق، پست‌های قانونی شکل‌گیری چنین تعاملاتی را آشکار کرده و بر ضرورت پیش‌بینی سازوکارهای پاسخگویی مناسب در چارچوب اصل اعطای اختیارات قانونی، تأکید می‌نماید.

واژگان کلیدی: فساد قضایی، دادرسی کیفری، عدالت کیفری، عدالت قضایی، فساد قضایی، نظریه کنش ارتباطی هابرماس.

مقدمه

فساد در نظام قضایی یکی از مخرب‌ترین اشکال فساد نهادی است که پیامدهای مستقیم آن بر حقوق شهروندان، مشروعیت نظام عدالت و ثبات ساختارهای دموکراتیک آشکار می‌شود (International Bar Association, 2016, p. 13). دستگاه قضایی که برای تضمین عدالت و مبارزه با فساد در جامعه شکل گرفته است، در صورت آلوده شدن به رویه‌های فاسد، نه تنها کارکرد اصلی خود را از دست می‌دهد، بلکه به مانعی در برابر تحقق عدالت نیز بدل می‌شود.^۱ در حالی که نظام قضایی و حرفه‌های شاغل در آن نقش اساسی در مبارزه با فساد دارند، خود این افراد می‌توانند در معرض سوءرفتارهای فاسد در نظام قضایی قرار بگیرند و زمانی که نهادهای بخش عدالت خودشان در معرض فساد قرار گیرند، هیچ سازوکار ضد فساد موفقیتم‌آمیز نخواهد بود (Schütte et al, 2015, p. 48). خطر سوءرفتار این اشخاص زمانی بیشتر می‌شود که هیچ اثر یا قربانی جهت کشف و گزارش عمل فاسد آن‌ها وجود نداشته باشد. تعاملات فاسد که در آن حداقل دو نفر برای نقض رویه معمول و قانونی توافق می‌کنند، با توجه به منتفع شدن هر دو طرف و عدم تمایل به گزارش، پنهانی و معمولاً کشف‌نشده هستند و در صورت کشف نیز تعقیب و محکومیت اشخاص تعامل‌کننده به دلیل فقدان ادله اثباتی بعید و دور از انتظار است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در شهریور ۱۳۹۷، گزارشی رسمی با عنوان *پایش/منیت سرمایه‌گذاری در زمستان ۱۳۹۶* تهیه و منتشر کرد که در بخشی از آن، میزان شیوع رشوه در ادارات از صفر تا ده طبقه‌بندی شده است. میانگین رشوه در کل استان‌ها ۷۲/۷ در رده بدترین وضعیت ممکن است (معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات کسب‌وکار)، ۱۳۹۷، ص. ۳۱). سطح عمومی فساد در جامعه و سایر ارگان‌های دولتی، هم‌بستگی خیلی نزدیکی با سطح فساد در سیستم قضایی دارد. هرچه فساد در دستگاه قضایی شایع باشد، میزان فساد در بخش‌های دولتی نیز به صورت حداکثری رواج پیدا می‌کند. در ایران متداول‌ترین مصادیق فساد قضایی بنا به اظهار رئیس دیوان عالی کشور، مربوط به ارتباطات غیراخلاقی و فساد مالی (بر پایه یک توافق) است.^۲ ازجمله پرونده

1. Who Guards the Guardians (Figueroa, 2012, p. 196).

2. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/04/06/2041893>

رسوایی قضایی در ایران می‌توان به پرونده اکبر طبری، معاون اجرایی ریاست قوه قضائیه وقت که در آن نام قضات بسیاری به‌عنوان متهم ذکر شده بود، اشاره کرد. این پرونده به‌وضوح نشان از عمق فساد قضایی و حلقه‌ها و ارتباطات بزرگ فساد در این نهاد دارد. این پرونده نشان داد که چگونه تعاملات فاسد مقامات قضایی می‌تواند روند قضایی معمول را نقض کند و چهره نظام قضایی را در منظر عموم غیرمقبول سازد.

این تحقیق در پی آن است که با بررسی دقیق تعاملات و ارتباطات فاسدی که میان مقامات رسمی مجاز با اشخاص ذی‌نفع در روند دادرسی کیفری شکل می‌گیرد، جلوه‌های این تعاملات را آشکار کند و با تحلیل این جلوه‌ها، ضمن تبیین تنوع آن‌ها در مراحل مختلف دادرسی در نظام عدالت کیفری، اختیارات ناشی از قوانین موجود که بستر این تعاملات را فراهم می‌کنند، مورد شناسایی قرار دهد.^۱ شایان ذکر است که در نظام حقوقی ایران، صرفاً برخی از این سوءرفتارها و جلوه‌های آن به دلیل عدم رعایت اصول بنیادین در رسیدگی‌ها، می‌تواند مسئولیت کیفری را برای قضات یا کارکنان غیرقضایی به دنبال داشته باشد؛ زیرا نقض این اصول در برخی از مصادیق آن با توجه به جلوه‌های تعاملات فاسد، به مفهوم تحقق رفتار مجرمانه‌ای قلمداد می‌شود که از سوی قانون‌گذار جرم‌انگاری و دارای ضمانت اجرای کیفری دانسته شده است. در جدول زیر، مصادیق مجرمانه این تعاملات در نظام حقوقی ایران ذکر شده است.

اعمال نفوذ	ارتشا	از بین بردن اسناد و مدارک	جعل و تحریف واقعیت	نقض اصل بی‌طرفی	اطاله دادرسی و نقض مهلت معقول	عدم ثبت و ارجاع پرونده
قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق	مواد ۵۸۸ و ۵۸۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و ماده ۳ تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری	ماده ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)	ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)	ماده ۶۰۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)	ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)	مواد ۵۷۲، ۵۷۴ و ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

۱. ترسیم دقیق تصویری از چگونگی وقوع این تعاملات در سیستم‌های قضایی با هرگونه تحلیل ساده‌ای رد شده است و به نکات دقیق و ظریف و مفهوم بنیادی قوی نیاز دارد؛ زیرا آنچه در اتاق جلسات دادگاه دیده می‌شود، اطلاعات کمی درباره آنچه در پشت صحنه اتفاق افتاده است، ارائه می‌دهد. این فقدان اطلاعات، هرگونه تجزیه و تحلیل سیستماتیک از فساد در دادگاه‌ها را بی‌حد و حصر چالش‌برانگیز می‌نماید (Peerenboom, 2009, p. 197).

۱. روش تحقیق

در مقاله حاضر از روش تحقیق کیفی و تحلیل محتوای اسناد و مدارک ازجمله دادنامه و پرونده‌های قضایی-انتظامی، تحلیل گفتمان برخی مقام‌های عدالت کیفری و تحلیل محتوای گزارش‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از رهگذر خبرگزاری‌های رسمی داخلی و خارجی در خصوص پرونده‌های فساد قضایی استفاده شده است. علاوه بر این موارد، از مصاحبه عمیق با مقامات قضایی، وکلا و کارکنان اداری دادگستری و ضابطان آن از طریق حضور در مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت، مجتمع ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی و دادسراهای عمومی و دادگاه‌های انقلاب برخی نواحی شهر تهران و همچنین، دادگاه‌ها و دادسراهای عمومی و انقلاب دو شهر از دو استان شمال غربی کشور بهره‌گیری شده است.

مصاحبه‌های این پژوهش، از نوع عمیق و نیمه‌ساختارمند است و روند مصاحبه نیز تا مرحله اشباع نظری (۳۰ مصاحبه) ادامه یافته است. مصاحبه‌شوندگان شامل موارد زیر است.

- مقامات قضایی (شامل دادرس، بازپرس و دادیار): ۱۰ نفر.
- ضابط دادگستری: ۵ نفر.
- وکلای دادگستری: ۱۰ نفر.
- کارمند اداری دادگستری: ۵ نفر.

۲. تعریف فساد قضایی

سازمان شفافیت بین‌الملل، فساد را به‌عنوان «سوءاستفاده از قدرت واکذارشده برای منافع شخصی» تعریف می‌کند. منافع شخصی هم شامل سود مالی و مادی و هم شامل منافع غیرمادی مانند پیشرفت و ارتقای سیاسی یا حرفه‌ای می‌شود. این تعریف از فساد اداری به‌طورکلی در سایر مصادیق فساد نیز مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین، می‌توان گفت فساد قضایی به سوءاستفاده از قدرت قانونی توسط کارکنان قضایی برای منافع شخصی یا گروهی اشاره دارد (Gong, 2004, p. 34). در تعریف دیگر، فساد قضایی شامل موارد تأثیر نامناسب بر بی‌طرفی روند قضایی توسط هر مقامی در سیستم دادگستری است. در نتیجه، فساد قضایی با اقدامات اعضای دادگستری به‌عنوان مثال، قاضی و کارکنان اداری که با قصد کسب منفعت در پی نقض دستورات و

رویه‌ها هستند، مشخص می‌شود (Voigt & Gutmann, 2015, p. 157).^۱

۱.۲. تعاملات فاسد در نظام قضایی

فساد قضایی در عمل اشکال مختلفی دارد که می‌توان آن را به سه دسته تقسیم کرد. الف. سوء رفتارهای فیزیکی مانند بازداشت و اعمال زور غیرقانونی، ب. سوء رفتار بدون مبادله مستقیم از قبیل اختلاس یا سهل‌انگاری جدی در رسیدگی‌ها و فریب اصحاب دعوی و ج. نوع «ج» نشان‌دهنده رشوه‌خواری و اعمال نفوذ است که معمولاً در بستر توافق و تبانی میان قاضی و ذی‌نفع یا از طریق واسطه‌ها رخ می‌دهد. این مبادله فقط به معاملات پولی (موارد تحت تأثیر رشوه پولی) محدود نمی‌شود و شامل هر چیزی است که برای شخص تعامل‌کننده می‌تواند ارزشمند باشد (Peerenboom, 2009, p. 198). این تبادلات همیشه به صورت متقابل (کاربر دادگستری و مقام رسمی) نیست، بلکه می‌تواند اغلب از طریق واسطه انجام شود؛ شخصی که با هر دو طرف آشناست و تضمین می‌کند که خواسته هر دو طرف به درستی انجام خواهد شد. در این مقاله، فساد قضایی از نوع «ج» با الهام از نظریه کنش ارتباطی هابرماس مورد بررسی قرار گرفته و منظور از آن، هرگونه تبادل و تعاملی است که در آن حداقل دو نفر نسبت به انجام یا عدم انجام یک عمل قانونی یا رویه‌ای توافق می‌کنند. طبق این نظریه، فساد، استعمار روابط اجتماعی است که در آن دو یا چند بازیگر وجود دارد که با انتقال موفقیت‌آمیز رسانه هدایتگر پول یا قدرت، رابطه مبادله‌ای برقرار می‌کنند و از این طریق روال مقرر قانونی را برای تنظیم رابطه کنار می‌گذارند. فساد را می‌توان از نظر تئوری ارتباطی به عنوان نوعی تعامل اجتماعی که دور زدن مراحل قانونی از طریق پولی‌سازی و بوروکراسی‌سازی روابط اجتماعی است، تصور کرد. در فساد دو یا چند نفر دست دارند که موفقیت تبادلات را پیش‌بینی می‌کنند. فساد از منظر نظریه ارتباطی، نوعی مبادله است که

۱. ر. ک به:

Brooks, 2019, Buscaglia, 2001, pp. 233-249, Voigt & Gutmann, 2015, pp. 156-166, Fair Trial Implications of Corruption Allegations at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. www.ticambodia.org FROM: Elizabeth Nielsen, Yale Law School Legal Associate, Documentation Center of Cambodia TO: Anne Heindel Legal Advisor, Documentation Center of Cambodia. Benson, 1988. p. 139, Schütte et al, 2015, Wagner & Jacobs, 2008, p. 183, Brooks, 2016, Brooks et al, 2013, Burkhardt, 2014, pp. 279-298, Jenkins, & Braimah, 2016, pp. 12-21. 2013, pp. 329-355. Lindgren, 1987, Ayers, 1997, pp. 1213-1253 و همچنین ر. ک به: پژوهشکده مطالعات پایه، ۱۴۰۰، دولتخواه پاشاکی، ۱۴۰۰، طاهری و طباطبایی، ۱۳۹۹ و آلبرشت، ۱۳۸۸.

یک نفر باید آن را شروع کند و حداقل یک نفر دیگر باید تحریک شود یا تحت تأثیر قرار گیرد تا یکی از طرفین نقش فعال‌تری در معامله داشته باشد (Deflem, 1995, p. 252).^۱ با توجه به آنچه از تعریف فساد بر اساس نظریه هابرماس بیان شد، تعاملات فاسد در این مقاله به معنی فساد از نوع «ج» بوده و هرگونه تبادل را که در آن حداقل دو نفر نسبت به انجام یا عدم انجام یک عمل قانونی یا رویه‌ای توافق کرده‌اند، شامل می‌شود که بر اساس آن، الگوی تعاملات فاسد را می‌توان در جرائمی ازجمله رشوه و اعمال نفوذ مشاهده کرد.

۳. جلوه‌های تعاملات فاسد در مراحل دادرسی کیفری

تعاملات و توافقات فاسد در مراحل مختلف دادرسی، جلوه‌های متفاوتی دارد و بسته به اینکه در این مراحل مقامات رسمی درگیر در پرونده، بر اساس قانون یا رویه چه نوع موقعیت و اختیاراتی دارند، دارای مصادیق مختلف است. همچنین، تنوع این جلوه‌ها بر اساس نوع پرونده و هدف اشخاص تعامل‌کننده نیز قابل تغییر است. براین اساس، جلوه‌های این سوءرفتارها در مراحل مختلف دادرسی و بر اساس موقعیت و اختیارات مقامات رسمی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱.۳. مرحله ارجاع پرونده

قسمت اصلی توزیع پرونده‌ها بین قضات توسط رئیس حوزه قضایی و معاون وی انجام می‌شود. این امر از یک طرف به آن‌ها این امکان را می‌دهد که از نظر تشکیلاتی بر قضات تأثیر بگذارند؛ بدین صورت که سخت‌ترین یا ناخوشایندترین پرونده‌ها را بین قضاتی که به برخی از درخواست‌های رئیس دادگاه پاسخ نداده‌اند یا به دلایل دیگر میانه خوبی با او ندارند، توزیع کنند و با تأخیر او یا ناتوانی او در حل آن، منجر به عتاب یا ارزیابی پایین آن قاضی در ارزشیابی‌های موجود شوند. از طرف دیگر، ارجاع به یک مقام خاص برای رسیدگی به یک پرونده ممکن است تحت تأثیر تعاملات فاسد برای رسیدن به یک نتیجه خاص از طرف مقام ارجاع‌دهنده رخ دهد.

۱. انواع فساد «الف» و «ب» معمولاً به دلیل وجود ادله و اثر اثبات فساد ازجمله مفقود شدن دارایی یا وجود یک قربانی مستقیم، بیشتر در معرض خطر افشا قرار دارند. در عوض، فساد مبتنی بر توافق داوطلبانه بین طرفین معامله که هر دو طرف از آن سود می‌برند، به دلیل ایجاد حس تعادل، باعث پنهان‌کاری و حفظ رفتار فاسد می‌شود و کشف آن را دشوار می‌کند (ر. ک به: Wagner & Jacobs, 2008).

اگر روند واضح، عینی و منظمی برای ارجاع پرونده وجود نداشته باشد، رئیس یا معاون ارجاع می‌تواند یک مقامی را انتخاب کند که تمایل بیشتری به پیروی از دستورالعمل‌های او دارد یا احتمالاً او نیز بخشی از رشوه را دریافت کرده باشد.^۱ بدین معنی که با ارجاع به قضاتی که به «توصیه‌های» رئیس توجه می‌کنند یا دائماً در طرح‌های فساد شریک هستند، روند پرونده را از پیش تعیین کنند و به نتیجه مطلوب خود برسند. مصاحبه‌شونده شماره ۳، وکیل دادگستری با سابقه ۸ سال در این خصوص، تجربه خود را چنین بیان می‌کند «در پرونده تصادف که موکل بنده (فاقد گواهی‌نامه) راننده مقصر بود و در گزارش کارشناسی نیز نام ایشان درج شده بود، با توجه به شناخت و ارتباطی که با شخص ارجاع‌کننده داشتم، از ایشان خواستم تا به شعبه دادرسی مشخص ارجاع کند. پس از این امر، از دادیار محترم خواهش کردم مجدد پرونده را جهت اظهارنظر کارشناسی، به کارشناسی که ما می‌خواهیم، ارجاع کند که نهایتاً با ارجاع ایشان، کارشناس نیز نام راننده را غیر از موکل من ثبت کرد».

در حال حاضر بیشتر شکایت‌های مراجعه‌کنندگان در سامانه ثنا ثبت و به کارتابل رئیس حوزه قضایی ارسال می‌شود.^۲ با توجه به اینکه ارجاع یک پرونده و شروع به رسیدگی به آن کاملاً در دست رئیس یک حوزه یا مجتمع است، این مقام با صدور دستور ارجاع به شورا جهت مصالحه یا ارجاع به ضابطان جهت تکمیل ادله برای شروع به تعقیب، عملاً می‌تواند از ثبت پرونده در دادسرا برای ماه‌ها جلوگیری کند و از این طریق، اشخاص پرونده را برای مدت نامعلوم به صورت بلا تکلیف رها سازد. مصاحبه‌شونده شماره ۹، قاضی‌ای با بیش از ۲۰ سال سابقه کار قضایی در این خصوص، بیان کرده است که «طبق آماری که هر سال منتشر می‌شود، صدها پرونده بدون ثبت در دادسراهای ما وجود دارد. این عدم ثبت در بسیاری از موارد ناشی از تعاملات با طرفین پرونده است؛ هرچند در برخی موارد می‌تواند با هدف آمارگرایی و به جهت ممانعت از ورود

۱. بنا بر رویه موجود در نظام قضایی ایران، آنچه مبرهن است، قواعد خاصی جهت ارجاع پرونده‌ها موجود نیست و این امر کاملاً سلیقه‌ای و در دست معاون ارجاع است.

۲. ماده ۳۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «در حوزه‌هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل می‌شود، ارجاع پرونده با رئیس حوزه قضایی است. رئیس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند و در صورت عدم حضور آنان، ارجاع با رئیس شعبه‌ای است که دارای سابقه قضایی بیشتر است».

پرونده به دادسرا باشد». علاوه بر شکایت شاکی خصوصی و ثبت آن در سامانه ثنا، به گفته صاحب‌شونده شماره ۵، بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب، بسیاری از اعلام جرم‌ها ممکن است ناشی از گزارش اشخاص اعم از خصوصی یا عمومی و نهادهای مربوطه از جمله گزارش ضابطان قضایی باشد، لیکن با توجه به این امر که بیشتر این اعلام‌ها و گزارش‌ها صرفاً در برگ کاغذ ساده کتابت و به صورت دستی به مقام مذکور تحویل می‌شود، لذا تعیین تکلیف این گزارش‌ها و ترتیب اثر دادن به آن‌ها کاملاً در اختیار این مقام است و هیچ‌گونه نظارتی نمی‌توان بر آن داشت. بنابراین، ممکن است گزارشی که ضابط برای ایشان ارسال کرده است، بدون دستور رسیدگی و در نتیجه، بدون ترتب اثری بر آن کنار گذاشته شود.

۲.۳. مرحله تعقیب و تحقیق در دادسرا

این مرحله از زمان کشف جرم آغاز می‌شود و با جمع‌آوری ادله وقوع جرم و شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار متهم یا متهمین ادامه می‌یابد و در نهایت، با صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب یا قرار جلب به دادرسی به پایان می‌رسد. این مرحله از مراحل دادرسی، اختیارات بی‌حد و حصر به مقامات رسیدگی‌کننده اعطا می‌کند که امکان نظارت بر آن‌ها نیز با توجه به سازوکارهای موجود عملاً ناممکن است. وجود اختیار برای مقامات قضایی به جهت حفظ استقلال آن‌ها و همچنین، بررسی شرایط یک پرونده و تناسب اقدامات با این شرایط و نیز پذیرش اصل فردی‌سازی قرارهای تأمین کیفری و مجازات، اجتناب‌ناپذیر و امری پذیرفته‌شده در نظام‌های حقوقی مختلف در جهان است، لیکن همین اختیارات نیز در صورت وجود بستر و نبود پاسخ‌گویی مناسب می‌تواند مورد سوءاستفاده این مقامات قرار گیرد. در مرحله تحقیقات مقدماتی، تصمیمی درباره تشکیل یک پرونده کیفری گرفته شده است و یک بازپرس یا یک دادستان عمومی که یک پرونده را بررسی می‌کند، تمام زرادخانه‌های موجود در خصوص اقدامات فرایند کیفری مربوط به تحقیق در مورد یک پرونده کیفری را در اختیار دارد. برای افرادی که در رابطه با آن‌ها تحقیق در حال انجام است، هدف اصلی این است که تعقیب کیفری خاتمه یابد یا در صورت عدم امکان آن، با سبک‌ترین اقدامات تأمینی یا سبک‌ترین اتهام انتسابی مواجه شوند. اشخاص و مقامات تعامل‌کننده در این مرحله از مراحل کیفری، بازپرس، دادستان، قاضی، افسران و ضابطان تحقیق هستند. در واقع، پلیس، قضات و سایر مقامات شاغل در دادگستری کنترل می‌کنند که چه کسی بازداشت،

متهم، محکوم و درنهایت، مجازات شود.^۱ بنابراین، آن‌ها در موقعیتی هستند که حق فروش دستگیر نشدن، متهم یا محکوم نشدن و حق جلوگیری از مجازات شدید را دارند. اطراف دیگر تعامل در این مرحله از مراحل کیفری، مظنون، فرد متهم و نمایندگان وی - اقوام و افراد نزدیک - و... خواهند بود. وکلا نیز می‌توانند نقش واسطه را در تحقق توافق‌نامه‌های فساد در این مرحله از دادرسی کیفری ایفا کنند. همان‌طور که داده‌های ارائه شده در یک تحقیق نشان می‌دهد، روابط فاسد در مرحله تحقیقات مقدماتی به‌طور فعالانه توسط ذی‌نفعان متهم (۴۵/۳ درصد) آغاز می‌شود. بااین‌حال، اکثر کارشناسان به این واقعیت توجه دارند که این اشخاص بیشتر از طریق واسطه‌ها عمل می‌کنند تا اینکه مستقل عمل کنند. در گزارشی که شورای اروپا از کشورهای عضو این شورا در سال ۲۰۰۹ با موضوع ریسک‌های فساد در فرایند کیفری و قوه قضائیه منتشر کرد، ۴۹ درصد از کارشناسان در نظرسنجی به این واقعیت اشاره داشتند که آغازکنندگان تعاملات فساد، اقوام و نزدیکان یک فرد مظنون یا یک متهم هستند و ۶۷/۹ درصد از نظرسنجی‌ها گزارش داده‌اند که براساس تجربه آن‌ها، آغازگر روابط فاسد یک وکیل است. همچنین، از نظر کارشناسان، از مقامات دخیل در تحقیقات مقدماتی، ۱۸/۳ درصد دادستان عمومی، ۱۶/۱ درصد ضابط قضایی و ۱۵/۱ درصد بازپرس در تعاملات شرکت می‌کنند.^۲

۱.۲.۳. اهداف تعاملات فاسد در مرحله تعقیب و تحقیق در دادسرا

تعاملات فاسد در مرحله کشف، تعقیب و تحقیق از جرم می‌تواند جهت تحقق و نیل به موارد زیر انجام شود.

۱. جلوگیری از تشکیل پرونده کیفری در مورد یک شخص
۲. اجتناب از صدور قرارهای تأمین کیفری سنگین (قرار بازداشت موقت یا قرار وثیقه با میزان بالا)
۳. اجتناب از مسئولیت کیفری یک شخص خاص به‌رغم وجود ادله یا قرائن اثبات جرم
۴. تحت فشار قرار دادن افراد خاص.

۱. ر.ک به: Anyshchenko, 2010, Neil, 2014, Kutner, 2014, Sengupta, 1998 & Schütte et al, 2015

۲. ر.ک به: Council of Europe, 2009

الف. اتخاذ تصمیم در مورد امتناع از تشکیل پرونده کیفری با سوءاستفاده از اختیارات

این تصمیم می‌تواند از طریق عدم انجام راستی‌آزمایی در خصوص تأیید اطلاعات وقوع جرم یا عدم ثبت نتایج حاصل از اطلاعات به‌دست‌آمده (مثل عدم ثبت مشخصات شخص مظنون یا شهود و مطلعین) انجام پذیرد. در واقع، طبق مواد ۴۴ و ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان به‌محض اطلاع از وقوع جرم (غیرمشهود) باید مراتب را به دادستان اعلام و تمام اقدامات لازم را (در جرائم مشهود) به‌منظور حفظ ادوات و آثار، ادله جرم و جلوگیری از فرار و... و اخذ اطلاعات شاهد یا مطلع حاضر در صحنه جرم (به‌استثنای جرم مشهود در خصوص اطفال زیر ۱۵ سال و جرائم منافی عفت) انجام دهند. همچنین، به استناد ماده ۳۵، مکلف به انجام دستورات دادستان یا مقام قضایی در پرونده تشکیل‌یافته هستند که با توجه به عدم وجود نظارت و کنترل بر این مرحله، یک افسر تحقیق که بررسی جامع و عینی اطلاعات مربوط به یک جرم را بر عهده دارد، با تعامل با ذی‌نفع می‌تواند این عمل را به‌صورت سطحی انجام دهد. در نتیجه چنین اقداماتی، شخصی که مجاز به تصمیم‌گیری در مورد تشکیل پرونده کیفری است، به مطالبی دست می‌یابد که برای تصمیم‌گیری معقول در مورد تشکیل پرونده کیفری یک جرم کافی نیست. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱، وکیل دادگستری، از تجربه خود در تعامل با ضابطان قضایی چنین می‌گوید که «تعامل با ضابط نسبت به هر مقام دیگری راحت‌تر است؛ زیرا نظارتی بر رفتار و نحوه اقدامات آن‌ها وجود ندارد. برای مثال، در پرونده‌ای شهود در دادسرا و کلاتری شهادت به وجود قمره در دست موکل بنده داده بودند که مقام رسیدگی‌کننده، پرونده را جهت تحقیق محلی به ضابط ارجاع کرد و این ضابط با دریافت وجه از وکیل پرونده، نسبت به تنظیم صورت‌جلسه مغایر با شهادت شهود اقدام کرد و با اعلام متهم مبنی بر اینکه شهود با ایشان خصومت شخصی دارند، پرونده منتهی به صدور قرار منع تعقیب شد». همچنین، مثال مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، سرهنگ نیروی انتظامی، قابل ذکر است که چنین بیان داشته است که «برای کشف فروشندگان مواد مخدر ما مخبرهایی داریم. یک بار یکی از این مخبرها، فروش مواد در محلی را به ما اخبار کرد و وقتی ما در محل حاضر شدیم، دیدیم فروشنده همکار خود ماست! صرفاً مواد را از او گرفتیم و در جوی آب ریختیم و هیچ گزارشی هم در این خصوص ثبت نکردیم».

در ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان مکلف به نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان با انجام بازرسی حداقل هر دو ماه یک بار شده است، لیکن به دلیل خاکستری و پنهان

بودن این مرحله و عدم امکان اطلاع از حقیقت موضوع امر، اختیار گسترده ضابطان در عمل و فرهنگ حمایت ضمنی برای شکستن قوانین و فرهنگ رازداری در حرفه آن‌ها، این نظارت صرفاً می‌تواند رعایت اصول و قواعد شکلی موجود در واحدهای مربوطه و در واقع، بررسی موارد ثبت و ضبط شده را شامل شود (Brooks, 2019, p. 88).

یکی دیگر از راه‌های ایجاد شرایط برای امتناع از تشکیل پرونده کیفری، انجام عمدی تحقیقات اولیه با کیفیت پایین در مورد اشیایی که به صورت بالقوه منجر به اثبات مادی جرم می‌شوند یا تهیه گزارش غیرواقعی اولیه توسط ضابطان یا مقام تحقیق است. جلوه‌های این تعاملات را می‌توان در عدم مراجعه به محل ارتکاب جرم یا تأخیر در حضور، عدم تحقیق از اشخاص مطلع و جایگزین کردن اشخاص ناآگاه به جای آن‌ها و اطلاع به شخص یا اشخاص مورد نظر از قبل در خصوص مراجعه به محل مشاهده کرد که می‌تواند منجر به از بین رفتن ادله اثبات جرم هرچند با انجام تحقیقات و حفظ ظاهر قانونی آن شود.^۱ مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، وکیل دادگستری در این خصوص، چنین بیان می‌دارد که «در پرونده‌ای که مربوط به ضرب و جرح عمدی بود، من به‌عنوان وکیل پرونده رابطه خوبی با بازپرس داشتم. از ایشان خواستم مراجعه به محل جهت تحقیق را از قبل به من اطلاع دهد. با اطلاع ایشان، چند نفری را که حاضر بودند به نفع ما اظهاراتی بیان کنند، در محل جمع کردم و از بازپرس نیز خواستم سؤالاتش را فقط از این افراد بپرسد» یا طبق گفته مصاحبه‌شونده شماره ۱، وکیل دادگستری، «در تحقیق محلی در پرونده‌ای، ضابط بدون رجوع به محل با حضور در دفتر همکار این‌جانب، صرفاً به نوشتن آنچه وکیل مربوطه از ایشان می‌خواست، اکتفا کرد یا موردی که مصاحبه‌شونده شماره ۲۲، سرهنگ، اظهار داشته است که «در پرونده‌های مواد، نوع آن بسیار مهم است. همکار ما که بعدها استعفا داد، در موردی مواد مخدر کشف نموده بود، لیکن پس از تعامل با شخص، از او خواسته بود به همان مقدار شیرین بیان پیدا کند و به او جهت ضبط در پرونده تحویل دهد. پس از این امر نیز دادگاه با توجه به تشخیص کارشناس مبنی بر اینکه مواد یافته شده شیرین بیان بوده است، او را تبرئه کرد».

علاوه بر ضابطان دادگستری، دادستان عمومی در مقایسه با سایر مقامات دادرسی (بازپرس و

۱. ر.ک به: Sherman, 1974, Sherman, 1978 & New York (NY). Knapp Commission, 1972.

دادیار)، شرایط مساعدتری برای سوءاستفاده از اختیارات و ورود به توافقات فاسد در این مرحله را دارد. در قانون آیین دادرسی کیفری، شرط شروع تعقیب این است که دادستان اطلاعات کافی را که نشانگر وقوع جرم است، تأیید کند. مواد ۶۴، ۶۵ و ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری جهات قانونی شروع به تعقیب را ذیل عنوان «فصل سوم: وظایف و اختیارات دادستان» تبیین کرده و در آن به ذکر مواردی همچون عدم وجود قرائن و امارات مبتنی بر نادرستی اظهارکننده یا وجود دلیلی بر صحت ادعا یا امنیتی بودن جرم، همراه بودن گزارش وقوع جرم با قرائن کافی و دلالت بر وقوع امر مهم، اشاره شده است که تشخیص موارد فوق بر عهده دادستان است و این مقام اختیار تام در خصوص تطبیق مورد را دارد. در واقع، از آنجاکه قانون آیین دادرسی کیفری به‌وضوح مشخص نکرده است که چه علائم و آثاری از جرم باید برای تشکیل معقول یک پرونده کیفری احراز شود، مقام تعقیب با استفاده از اختیارات خود در این مورد می‌تواند به‌طور رسمی موارد را تأیید یا رد کند. بنابراین، ایده و استدلال او می‌تواند ذهنی باشد که این امر می‌تواند مخصوصاً درباره گزارش‌ها و اعلام جرم‌های دستی ارائه‌شده، بستری از اختیارات را به این مقامات در شروع به تعقیب ارائه دهد.^۱ در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، وکیل دادگستری، بیان کرد که «موکل من به همراه چندین نفر با مشروبات الکلی توسط ضابط دستگیر و به کلانتری تحویل داده شده بود که با مراجعه خانواده ایشان و درخواست مساعدت ایشان از دادستان (با توجه به وجود رابطه آشنایی)، این مقام محترم دستور تنظیم صورت‌جلسه جدید را صادر کرد و از ضابط نیز خواسته بود که نام شخص مربوطه را از اسامی متهمین حذف کند که با تنظیم صورت‌جلسه جدید و فقدان نام ایشان، تعقیب علیه این شخص در بدو امر منتفی شد و اساساً شکل نگرفت». همچنین، در این خصوص، تجربه مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، سرهنگ نیروی انتظامی نیز قابل ذکر است؛ بدین مضمون که «ضابط قضایی بدون دستور تحقیق از طرف مقام قضایی در خصوص یک شخص، اختیار تحقیق را ندارد...». در پرونده‌ای که در آن ۵ نفر متهم وجود داشت و یکی از این اشخاص از مقامات اجرایی شهر بود، دادستان در دستور تحقیق به ضابطان صرفاً نام ۴ نفر را ذکر و اسمی

۱. تحلیل تحقیقات و رویه قضایی که در رسانه‌های جمعی یافت می‌شود، نشان می‌دهد که حجم قابل توجهی از پرونده‌های کیفری که در رابطه با بازپرسان به جرم ارتشا تشکیل شده، دقیقاً با اتخاذ تصمیم به امتناع از تشکیل پرونده مرتبط بوده است (ر.ک به: Council of Europe, 2009, p. 69).

از این مقام نیاورده بود».

ب. اجتناب از صدور قرارهای تأمین کیفری سنگین

انواع قرارهای تأمین و نظارت قضایی در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، ذکر و شرایط مورد نیاز هریک، قابل اعتراض بودن یا نبودن آن‌ها، نحوه اعتراض به آن و ایضاً نحوه جبران خسارت از قرارهای اشتباه در مواد بعد آن لغایت ماده ۲۶۱ تبیین شده است. در تمام این موارد، تشخیص لزوم صدور قرار و تناسب آن به‌درستی در اختیار مقام رسیدگی‌کننده قرار گرفته است. اخذ تأمین نامتناسب به موجب تبصره ماده ۲۵۰ می‌تواند منجر به محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا شود، لیکن تناسب، واژه‌ای نسبی است که در غالب موارد تشخیص آن تماماً بر عهده مقام رسیدگی‌کننده است. دادستان نیز با در نظر گرفتن شرایط یک پرونده، می‌تواند با موقعیت بازپرس در صدور قرارهای تأمین (عدم احراز ملاتت کفیل ماده ۲۲۱، مخالفت با صدور قرار بازداشت ماده ۲۴۰، مخالفت با ابقای قرار کفالت یا وثیقه منتهی به بازداشت، فک تخفیف و ابقای قرار بازداشت ماده ۲۴۲) موافق یا مخالف باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۸، دادرس دادگاه کیفری دو، اظهار داشته است که «در زمانی که من بازپرس بودم، متهم بنده، مافوق برادر دادستان بود. ایشان از من خواست قرار وجه التزام با مبلغ پایین صادر کنم درحالی‌که در جرم مورد نظر حتماً باید وثیقه برابر با مال مورد ادعایی که بیشتر از مبلغ وجه التزام بود، صادر می‌شد. در هر حال، قرار وجه التزام با مبلغ تعیین‌شده، صادر شد» یا طبق گفته مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، وکیل دادگستری، «در پرونده‌ای با عنوان اولیه تجاوز به عنف و آدم‌ربایی، بازپرس پرونده قرار بازداشت صادر کرد که با هماهنگی رئیس حوزه قضایی به‌عنوان واسطه (تماس تلفنی برقرار شد و از بازپرس خواستند که هوای متهم را داشته باشد)، وکیل به شعبه مراجعه کرد و با پیشنهاد مبلغ و ارائه برخی اظهارات جهت توجیه تالی فاسد قرار بازداشت، آن را تبدیل به قرار وثیقه کردند». در مواردی که برای یک شخص متهم قرار تأمین از نوع بازداشت اعمال شود، امکان ملاقات با اقارب، دریافت بسته برای وی از افراد نزدیکش برای تأمین شرایط مناسب بازداشت و وضعیت روانی شخص متهم بسیار حیاتی است. در این خصوص، تصمیمات بازپرس در مورد پذیرش درخواست اقوام برای قرار ملاقات و پذیرش بسته آن‌ها به موارد تبادل فساد تبدیل می‌شوند که برای توجیه آن، مصاحبه‌شونده شماره ۶، دادیار دادرسی عمومی و انقلاب معتقد است این اقدامات یک نقض ناچیز روند کیفری بوده است که

خصوصاً در زمان عدم وجود شاکی خصوصی، صدمه اساسی به دادرسی عادلانه وارد نمی‌کند.

ج. اجتناب از مسئولیت کیفری یک شخص خاص به‌رغم وجود ادله و قرائن اثبات جرم

طبق قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان حق نظارت بر تحقیقات مقدماتی طبق مواد ۷۴^۱ و ۷۵، حق دادن دستور اجرای برخی تحقیقات و اقدامات به بازپرس بدون ارجاع تحقیق در یک پرونده و تکلیف بازپرس به انجام دستور مذکور طبق ماده ۷۶، حق اعطای تکالیف مقرر در خصوص حفظ آثار و ادله جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم طبق مواد ۷۷ و ۷۸ و همچنین، حق صدور قرار بایگانی پرونده و قرار تعلیق تعقیب طبق مواد ۸۰ لغایت ۸۲ بدون آنکه پاسخ‌گویی او را منجر شود، دارد. چنین اختیاراتی، بستر مناسبی برای دخالت این مقام در روند رسیدگی ایجاد و تحقیقات را از مسیر خود منحرف می‌کند و مانع صدور قرار جلب به دادرسی متهم را فراهم می‌آورد. مصاحبه‌شونده شماره ۳، وکیل دادگستری، از تجربه خود در این مورد می‌گوید که «در پرونده‌ای که موکل این‌جانب با گزارش ضابطان دادگستری و کشف ۵ کیلوگرم هروئین بازداشت و به دادرسی معرفی شده بود، بازپرس قرار جلب به دادرسی را به دلیل کشف مال در ید ایشان و همچنین، گزارش ضابطان صادر و به دادستان جهت اظهار نظر ارجاع کرده بود. دادستان (که توافقاتی با طرف پرونده داشت) در مقام رفع نقص، دستور انجام تحقیقات بیشتر از محل زندگی شخص در خصوص شخصیت اجتماعی و اخلاقی ایشان را صادر کرد که با توجه به تحقیقات ضابطان از محل سکونت شخص و اظهار مطلعین بر حسن شهرت ایشان، درنهایت، پرونده به دلیل اصرار دادستان و به استناد تحقیق محلی با قرار منع تعقیب مختومه شد».

علاوه بر دادستان، دیگر مقامات تحقیق و تعقیب نیز در مرحله دادرسی با توجه به اختیارات خود می‌توانند در یک تعامل فاسد شرکت داشته باشند. تصمیم‌گیری در خصوص وقوع یا عدم وقوع جرم و شرایط اثبات آن اموری است که مربوط به اقتناع دادستان یا بازپرس بوده است و این مقام می‌تواند حتی به‌رغم وجود ادله یا گزارش‌هایی پیرامون اتهام، با استفاده از اختیارات خود

۱. در ماده ۷۴، حق توقف جریان تحقیقات به دادستان داده نشده، اما این امر در خصوص تحقیقات انجام‌یافته توسط بازپرس بوده است و در صورتی که تحقیق به استناد ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری توسط دادیار انجام گیرد، دادستان حتی می‌تواند دستور توقف تحقیقات توسط دادیار را نیز صادر کند.

آن‌ها را تغییر دهد یا اسناد را از بین ببرد^۱. در نظام حقوقی کشور ما، وجود برخی ادله از جمله شهود یا اقرار شخص، کافی برای اثبات جرم است، لیکن در عمل ممکن است مقام رسیدگی‌کننده با عدم ثبت اقرار شخص در پرونده یا عدم پذیرش آن به دلیل تحت شکنجه یا اجبار بودن آن یا طرح سؤالات منحرف‌کننده از شهود و ایجاد تعارض در شهادت آن‌ها، منجر به رد قانونی آن‌ها شود. مثال موردی که در آن هم اقرار و شهادت شهود بر ارتکاب و وقوع جرم وجود داشته، ولی تعامل، مسیر و سمت‌وسوی آن را تغییر داده است، موردی است که مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ به‌عنوان وکیل پرونده، آن را بیان کرده است که «در پرونده‌ای که در آن علیه ۱۳ نفر شکایتی مبنی بر تصرف عدوانی شده بود و شاهدان متعددی بر تصرف مشاعی همه ۱۳ نفر بر ملک مربوطه شهادت داده بودند، بازپرس طبق مراوداتی که با او داشتیم، چنین مقرر کرد که دو نفر از این متهمان به تصرف عدوانی خویش اقرار کنند و مابقی انکار، تا برای دو نفر اقرارکننده قرار جلب به دادرسی و برای سایرین قرار منع تعقیب صادر شود که متعاقب آن، شاکی به قرار منع تعقیب اعتراض کرد، اما با توجه به اینکه بازپرس با رئیس دادگاه کیفری دو هماهنگ بود، قرار صادره نیز تأیید شد. در دادگاه نیز به اتهام دو نفر رسیدگی و ایشان محکوم شدند، اما در مرحله اجرا بدون رعایت ضوابط مربوط به نهادهای آزادی مشروط، تعلیق یا تعویق و سایر موارد قانونی، شخص پنجشنبه به زندان معرفی و شنبه آزاد شد». همچنین، می‌توان پرونده‌ای را مثال زد که در آن شخصی به جعل امضا و تحصیل مال از طرق غیرمشروع متهم شده بود و کارشناس رسمی دادگستری نیز جعلی بودن امضا را تأیید کرد و همچنین، فایل‌های صوتی و اسناد دیگر نیز اتهام انتسابی را ثابت می‌کرد، لیکن بازپرس پرونده با اعمال نفوذ اشخاص صاحب قدرت و با تهیه گزارش ساختگی، قرار منع تعقیب را صادر کرد^۲.

عدم ثبت تمام اطلاعات به‌دست‌آمده در پرونده کتبی، استعلام‌های غیرضروری و منتظر ماندن

۱. محکومیت‌های نادرست در ایالات متحده نشان داده است که پنهان کردن شواهد و همچنین، تأخیرهای غیرقانونی در خصوص تحقیقات، رایج‌ترین سوءرفتارها در دادرسی است (ر.ک به: Balko, 2013).
به همین ترتیب، مطالعات در نیجریه و ونزوئلا نشان داده است که فساد اداری معمولاً با دستکاری شواهد اغلب در هماهنگی با افسر پلیس تحقیق انجام می‌شود (ر.ک به: Buscaglia & Ruiz, 2002).

2. <https://farsnews.ir/Sports/1506504839000353959> (۲۰۲۵/۱/۲۶).

جهت وصول پاسخ، تأخیر در ارسال اطلاعات، نقض اصل کامل بودن و عینیت داشتن تحقیقات مقدماتی، عدم ثبت واقعیت‌های فردی که در جریان تحقیقات از جرم کشف شده‌اند، انجام عمدی تحقیق با کیفیت پایین یا نقض شرایط قانون آیین دادرسی کیفری در هنگام اجرا یا ثبت برخی از فعالیت‌های تحقیق^۱، عدم انجام یا انجام به موقع برخی از فعالیت‌های تحقیق، تخریب عمدی یا آسیب رساندن ادله اثبات مادی در پرونده^۲ یا همکاری کارشناس متخصص در امور تخصصی ارجاع‌شده جهت از بین بردن رابطه علی و معلولی، همگی ناشی از اختیارات بازپرس یا یک مقام تعقیب و تعاملات فاسد او با اشخاص است و می‌تواند حقایق مربوط به پرونده و موقعیت شخص را تغییر دهد و در نتیجه، او را از مسئولیت کیفری و جلب به دادرسی رها سازد (Danileț & Vasilescu, 2010, p. 24). در خصوص تعامل با کارشناسان پرونده، مثالی که مصاحبه‌شونده شماره ۱۳، وکیل دادگستری از تجربه خود می‌گوید، قابل ذکر است؛ «در پرونده که موضوع آن جعل در اسناد ملکی یک ساختمان چندطبقه بود، کارشناس تک‌نفره جعلی بودن اسناد را تأیید کرده بود که ما به آن اعتراض کردیم و از مقام قضایی درخواست ارجاع به هیئت کارشناسی که خود، اعضای آن را مشخص کرده بودیم، کردیم. پس از ارجاع امر به هیئت سه‌نفره، با توجه به شناختی که از اعضای هیئت داشتیم، پیشنهاد جبران لطف در صورت اظهارنظر به نفع ما را دادم که ایشان نیز پرداخت ۳۰۰ میلیون را به عنوان لطف، از من درخواست کردند. مبلغ را پرداخت کردیم و آن‌ها هم نظریه را طبق خواسته ما کتابت کردند».

د. تحت فشار قرار دادن افراد خاص

تعاملات فاسد می‌تواند جهت تحت فشار قرار دادن اشخاص با ایجاد دعوی واهی و هدف تشکیل پرونده برای شخص ثالث جهت اعمال برخی محدودیت‌ها نسبت به شخص در یک مدت مشخص صورت پذیرد. این نوع تعاملات به دو شکل می‌تواند انجام پذیرد؛ تشکیل پرونده کیفری یا ایجاد تصور تشکیل پرونده توسط اشخاص مجاز به منظور دریافت وجه فساد (مثلاً مقام تعقیب از یک

۱. عدم دعوت از شهود یا کارشناس متخصص (مواد ۱۲۷ و ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری) و عدم دستور به ثبت تمام آثار و نشانه‌های مشهود در صحنه جرم (ماده ۱۲۹).

۲. همچون قرار دادن دیسکت یا سی‌دی در شرایطی همچون دمای بالا یا رطوبت که منجر به آسیب آن شود یا کم کردن از مقدار و وزن داروها و مواد موضوع جرم.

فرد به جهت عدم تعقیب و دستگیری او به استناد مدارک بی‌اساس اخاذی می‌کند) و تشکیل پرونده کیفری برای پرداخت فساد «به دستور» شخص ثالثی که در یک فرایند کیفری شرکت نداشته است. این موارد بیشتر در امور اقتصادی و شرکت‌های بازرگانی جهت عقب راندن و کنار زدن رقبا اتفاق می‌افتد.^۱ تشکیل غیرقانونی پرونده کیفری در رابطه با یک شخص خاص می‌تواند به منظور اعمال فشار معین بر این شخص صورت پذیرد. تشکیل پرونده کیفری، طیف وسیعی از امکانات را برای تحت فشار قرار دادن یک شخص و روی فعالیت اقتصادی و اجتماعی او با استفاده از ابزارهای اجبار کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری به‌ویژه در محدوده تحقیقات کیفری فراهم می‌سازد از قبیل اعمال بازداشت بر اموال، توقیف حساب‌های بانکی، بازداشت شخص، محدود کردن امکان تردد آزادانه یک فرد بالاخص ممنوعیت خروج از کشور و اعمال سایر ابزارهای اجبار قضایی که شرایطی را برای فلج کردن فعالیت اقتصادی و اعمال فشار روانی بر شخص ایجاد می‌کند. مصاحبه‌شونده شماره ۸، دادرس دادگاه کیفری دو، در این ارتباط از تجربه خود چنین می‌گوید که «برای مدیرعامل یک شرکت، فعالیت شرکت و حق امضا بسیار مهم است. اگر به واسطه قرار دادیار یا بازپرس، این شخص موقتاً از حق امضای اسناد یا برخی فعالیت‌ها محروم شود، می‌تواند اثر مالی میلیاردی به شرکت وارد کند. در پرونده‌ای به‌صرف گزارش شخصی از فعالیت شرکت مواد غذایی و تأثیر آن در مسمومیت غذایی ایشان هرچند بدون دلیل و مدرک، دادستان از بازپرس مربوطه، صدور دستور محرومیت از حق امضا برای شخص مدیرعامل را درخواست کرد. مدیرعامل برای ممانعت از صدور این دستور، دعوی‌ای را که در پرونده دیگری با شخص گزارش‌دهنده داشت، از دادگاه مسترد و بدین ترتیب، شاکی این پرونده نیز از شکایت خود صرف‌نظر کرد و نتیجتاً دادستان محترم نیز به یک‌باره از موضع خویش عدول کرد» یا موردی که مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، وکیل دادگستری، از پرونده خود مثال می‌زند که «در پرونده‌ای که

۱. در یک پروژه مبارزه با فساد در اوکراین که در سال ۲۰۰۹ صورت پذیرفت، مشخص شد که شاخص مشخصی از وجود چنین اقداماتی، اطلاعات آماری مربوط به فعالیت دادرهاست که در سال ۱۳۸۷، بیش از ۴/۴ هزار تصمیم در مورد تشکیل پرونده‌های کیفری لغو شده است. این حقایق گواه آن است که این حجم از پرونده‌ها بدون دلیل مناسب یا کافی تشکیل شده است، اما شهادت نمی‌دهد که همه آن‌ها دقیقاً در نتیجه توافقات فاسد تشکیل شده است (ر.ک به: Council of Europe, 2009).

شخص، دعوی مطالبه وجه از بابت چکی را خواسته بود، طرف دیگر او با تبانی بازپرس، دعوی کیفری علیه شخص با عنوان رباخواری را مطرح کرد که موجب شد این شخص به دلیل ترس از آبرو، دعوی وجه چک را مسترد کند تا شخص نیز پرونده رباخواری را ببندد».

در این نوع از توافقات فاسد، مقامات برخلاف سایر رویه‌ها، با هدف معکوس عمل می‌کنند نه برای حل مسئله اجتناب از مسئولیت کیفری، بلکه برعکس، حل مسئله در مورد تشکیل پرونده کیفری یا ایجاد تصویری از امکان تشکیل پرونده علیه شخص. تشکیل پرونده برای تحت فشار قرار دادن اشخاص می‌تواند منجر به بازداشت خود آن‌ها یا اموال و توقف فعالیت‌های آن‌ها شود. همچنین، مقام تحقیق می‌تواند آن‌ها را مجبور به ارائه برخی اطلاعات از جمله اطلاعات تجاری خود کند یا در ازای دادن مشاوره برای رهایی از قراردادهای تأمین و توقیف اموال یا مجازات، آن‌ها را مجبور به شرکت در توافقات کند.

۳.۳. مرحله دادرسی (دادگاه بدوی - تجدیدنظر)

۱.۳.۳ دادگاه بدوی

به استثنای مواردی که مستقیماً در دادگاه مطرح شده^۱ است و دادگاه انجام تحقیقات مقدماتی را نیز بر عهده دارد، به طور کلی، در دادرسی کیفری، یک پرونده پس از صدور قرار جلب به دادرسی در دادرسی یا کیفرخواست شفاهی دادستان^۲ در دادگاه مطرح^۳ می‌شود. در این مرحله از دادرسی نیز

۱. تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری (تحقیقات مقدماتی تمام جرائم اطفال و نوجوانان زیر ۱۵ سال).

۲. ماده ۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «در غیر جرائم موضوع ماده ۳۰۲ این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوی کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند. در این مورد، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه می‌دهد و به متهم تفهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می‌شود. تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود. هرگاه متهم از این حق استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه، رسیدگی و رأی صادر می‌کند و اگر ضمن رسیدگی، انجام تحقیقاتی را لازم بداند، آن‌ها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می‌دهد. اخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداکثر ظرف پنج روز، دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می‌تواند فارغ از امر کیفری، به دعوی ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی را صادر کند».

به صورت دو مرحله‌ای مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که شامل رسیدگی در دادگاه بدوی و پس از آن در دادگاه تجدیدنظر است.^۱ هنگامی که شهروندان به دادگاه مراجعه می‌کنند، صرف نظر از موقعیت خود در دادگاه (شاکی یا خوانده در دعاوی مدنی و قربانی یا متهم در محاکمات کیفری)، به دنبال احکام مساعد هستند. تعامل با قضات رسیدگی‌کننده زمانی است که معمولاً اشخاص موفق به کسب نتیجه مورد نظر خود در مرحله دادرسی نشده‌اند یا با توجه به نقش کلیدی قضات، انجام توافق و پرداخت هزینه را به این مرحله موکول کرده‌اند. در این میان، قاضی کسی است که به طور یک‌جانبه در مورد پرونده و دادخواست و همچنین، لغو یا تأیید کیفرخواست و شرایط رسیدگی به شکایت تصمیم می‌گیرد. این قاضی است که بین دادستان، شاکی و متهم تعادل برقرار می‌کند و عملاً در موفقیت یا عدم موفقیت تعقیب نقش دارد. تمام ادله و شواهد برای اقناع او ارائه می‌شود. اوست که تصمیم می‌گیرد کدام یک از دلایل قانع‌کننده‌تر است و آیا دادستان بار اثبات را طبق قانون بر عهده گرفته است یا خیر؟^۲ در واقع، قضات شخصیت‌های اصلی دادرسی هستند؛ زیرا قدرت محکومیت یا تبرئه در نهایت، با آن‌هاست. در کنار این امر با توجه به اختیار و استقلال قاضی در

۱. ماده ۳۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «دادگاه‌های کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می‌کنند.

الف. کیفرخواست دادستان، ب. قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه [و] ب. ادعای شفاعی دادستان در دادگاه».

۲. آرای دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدیدنظر یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است.

الف. جرائم تعزیری درجه هشت باشد. ب. جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها کمتر از یک‌دهم دیه کامل باشد. تبصره ۱: در مورد مجازات‌های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدیدنظر، همان مجازات قانونی اولیه است. تبصره ۲: آرای قابل تجدیدنظر اعم از محکومیت، برائت یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار رد درخواست وخواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظرخواهی باشد.

۳. افراد می‌توانند از اقدامات بازپرسان و تخلفات آن‌ها شکایت کنند، لیکن این خود باب توافقات دیگری را برای قضات اداری باز می‌کند تا با بازپرس خاطی در توافق فساد قرار بگیرند. امکان تجدیدنظرخواهی از تصمیمات بازپرس یا دادستان برای تشکیل پرونده کیفری از یک سو به شهروندان این امکان را می‌دهد که از حقوق خود در دادگاه به نحو احسن دفاع کنند و از سوی دیگر، به ابزاری مؤثر برای مقابله با تحقیقات تبدیل شده و امکان سوءاستفاده از فساد انجام یافته را از سوی قضات انتظامی ایجاد کرده است. در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۱، وکیل دادگستری، چنین بیان کرد که در مورد فساد اخلاقی یک بازپرس، پرونده به دادرسی انتظامی قضات ارجاع شد، اما بنا به گفته خود بازپرس با اعطای پنج سکه تمام، قرار منع تعقیب صادر شد.

تصمیم‌گیری و همچنین، وجود مصونیت و حمایت‌های قانونی از او منجر می‌شود که قاضی هنگام تصمیم‌گیری در مورد ورود به توافق، هزینه‌ها و مزایای تبانی با متهم یا دادستان را بسنجد و قبول توافق را ترجیح دهد. در واقع، وجود شرایط مطلوب - مفاد قانون کیفری که به وی امکان اختیارات گسترده‌ای برای انتخاب نوع و ماهیت مجازات ارتکاب جرم می‌دهد و از طرف دیگر، عدم نظارت صحیح بر قاضی - او را به سوی تعاملات فاسد سوق می‌دهد.

۲.۳.۳. اهداف تعاملات فاسد در دادگاه بدوی

در مرحله دادرسی در دادگاه، هدف از تعاملات فاسد را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد.

- الف. عدم تحمیل مسئولیت کیفری، صدور حکم برائت و ختم پرونده کیفری.
- ب. تغییر قرار تأمین کیفری.
- ج. تخفیف (بهبود) وضعیت متهم نسبت به تحقیقات مقدماتی دادرسی.
- د. صدور حکم به مجازات مساعدتر به حال شخص با تعیین شرایط مطلوب.

الف. عدم تحمیل مسئولیت کیفری به شخص یا ختم پرونده کیفری

به استناد ماده ۲۸۰ قانون مذکور، دادگاه می‌تواند عنوان اتهامی ذکر شده در کیفرخواست را تغییر دهد و تکلیفی به تبعیت از آن ندارد. طبق مواد ۳۴۰ و ۳۴۱، پس از اینکه پرونده در دادگاه مطرح شد، دادگاه تحقیقات خود را انجام می‌دهد و می‌تواند نسبت به صدور قرار عدم صلاحیت، قرار منع یا موقوفی تعقیب اقدام کند یا در صورتی که تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی را کشف کند که مستلزم تحقیق باشد، با ذکر دقیق موارد تحقیق، تکمیل تحقیقات را از دادرسی مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. در این خصوص، مصاحبه شونده شماره ۱۳، وکیل دادگستری، چنین بیان داشته است که «خود من پرونده‌ای داشتم با موضوع نزاع دسته‌جمعی در دادرسی که با شهادت شهود منتهی به قرار جلب به دادرسی شده بود. دادرسی پرونده که با متهم تعامل داشت، به ایشان چنین مشاوره داد که شهود معارض معرفی و ادعا کند در دادرسی توجهی به آن نشده است که با انجام این امر، پرونده جهت تکمیل تحقیقات با تأکید بر اخذ اظهارات شهود اعاده شد و شهود به‌نوعی شهادت دادند که اساس شهادت شهود شاکی را از بین برد که در نتیجه آن، به دلیل وجود شهود معارض مبنی بر اینکه شخص در محل نزاع نبوده است، حکم بر برائت صادر شد». بنابراین، دادگاه نیز دارای تامه اختیارات برای بررسی یک پرونده است و در واقع،

می‌تواند تحقیقات انجام‌یافته در دادسرا را ناقص تلقی یا حتی نسبت به آن تردید کند و طبق اختیاری که ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اعطا کرده است، هرگونه تحقیق یا اقدامی را که برای کشف حقیقت لازم است، انجام دهد. استرداد پرونده برای تحقیقات بیشتر به دادسرا و انجام تحقیقات تکمیلی می‌تواند به خاتمه پرونده منجر شود یا در مواقعی به دلیل این رفت‌وآمدهای بسیار، شاکی را از پرونده و پیگیری آن منصرف کند. چنین اقداماتی مربوط به مهارت‌های شخصی مقام رسیدگی‌کننده است که با قانون دادرسی کیفری، نظارت بر فعالیت او و غیره مرتبط نیست. در واقع، مقام رسیدگی‌کننده می‌تواند بازجویی‌ها، بررسی‌ها، توقیف‌ها، تفتیش‌ها و غیره را برای مدت نامحدودی کنار بگذارد و در نتیجه، شرایطی را برای متهمان ایجاد کند تا مدارک را حذف کنند یا بر شاهدان و قربانیان تأثیر بگذارند. بنا بر این اختیارات و با سوءاستفاده از آن‌ها، قاضی رسیدگی‌کننده می‌تواند در توصیف و تطبیق عمل ارتکاب‌یافته با شرایط قانونی تعریف‌شده برای آن و در نتیجه، با عدم اعتقاد به وقوع جرم یا تردید و شبهه در آن، شخص را بری از مسئولیت تشخیص دهد. قاضی رسیدگی‌کننده حتی می‌تواند اقرار صورت‌پذیرفته در دادسرا را نیز به استناد ماده ۳۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری با تردید در صحت و اختیاری بودن آن، رد کند. مثل پرونده‌ای که مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، وکیل دادگستری، مثال می‌زند که «در پرونده‌ای که موکل بنده اقرار کرده بود و حتی اشیای جرم متعلق به او هم کشف و ضبط شده بود، دادگاه با سفارش آشنای ایشان که از مقامات بانفوذ بود، به او گفت، بگوید ضابطان او را مجبور به اقرار کرده‌اند و وسایل را هم کسی برای فروش نزد او امانت گذاشته است. او چنین کرد و حکم برائت برای او صادر شد». همسو با این، در پرونده‌ای نیز که شخصی متهم به اخلال در نظام اقتصادی بود و در پرونده علاوه بر وجود اسناد مالی اثبات‌کننده اتهام، خود شخص هم اقرار به انجام آن کرده بود، با دادن رشوه میلیاردی و اعمال نفوذ، این شخص حکم برائت را از دادگاه دریافت کرد^۱. همچنین، با توجه به تکلیف دادگاه در درج عین اظهارات طرفین، شهود، کارشناس و اهل خبره^۲ در صورت‌مجلس، مقام رسیدگی‌کننده می‌تواند با سوءاستفاده از مقام خود، بخشی از

1. <https://www.asriran.com/fa/news/732084> (۱۴۰۳/۱۰/۱۰).

۲. ماده ۳۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «دادگاه باید خلاصه اظهارات دادستان یا نماینده وی و عین اظهارات طرفین، شهود، کارشناس و اهل خبره را در صورت‌مجلس درج کند».

اظهارات را که به ضرر شخص متعامل‌کننده با اوست، در صورت مجلس قید نکند و از این طریق شخص را از تحمل مسئولیت کیفری برهاند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، وکیل دادگستری، اظهار می‌دارد که «در پرونده‌ای که ما داشتیم، یادم می‌آید تنها دلیل پرونده، شهادت شهود بود. قاضی دادگاه قرار استماع شهادت شهود را صادر کرد و در جلسه استماع شهادت شهود، به‌رغم اظهارات شهود علیه موکل این جانب، قاضی دادگاه کیفری در کتابت گفته‌های ایشان برخی از اظهارات را که علیه ما بود، ننوشتند یا افعال گفته‌شده را برعکس در صورت جلسه درج کردند که در پایان جلسه نیز نه شاهد و نه وکیل طرف مقابل به دلیل اعتمادی که به مقام قضایی وجود داشت، برگ صورت جلسه را نخوانده، امضا کردند که قاضی هم به استناد آن رأی برائت موکل بنده را صادر کرد» یا همچون موردی که مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، سرهنگ نیروی انتظامی، مثال می‌زند «در پرونده‌ای، ما ۷ کیلوگرم مواد مخدر کشف کرده و متهم را به دادرسی و مقام قضایی تحویل داده بودیم. پرونده نیز با قرار جلب به دادرسی به دادگاه ارجاع شده بود. در تمام اوراق پرونده ۷ کیلوگرم درج شده بود، اما در دادنامه، قاضی رسیدگی‌کننده با دریافت ۳۰ میلیارد تومان، ۷ «کیلوگرم» را ۷ «گرم» درج و مجازات مربوط به ۷ گرم را صادر کرده بود».

ب. تغییر قرار تأمین کیفری

دادگاه مقید به قرار تأمین کیفری صادره در دادرسی نیست و به استناد ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند با اخذ تأمین متناسب از متهم، وقت رسیدگی را تعیین و به اطراف دعوی ابلاغ کند. بنابراین، دادگاه می‌تواند قرار صادره در دادرسی را تغییر دهد و مساعدتر به حال شخص متعامل صادر کند. مثلاً تغییر قرار بازداشت صادره به قرار وثیقه یا کاهش مقدار قرار وثیقه صادره جهت ایجاد شرایط مساعد برای شخص. در این خصوص، پاسخ‌گویی نیز برای قاضی تغییردهنده به‌جز شرط وجود تناسب به استناد ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری و ضمانت اجرای موجود در تبصره ذیل آن که به طرق مختلف قابل توجیه است و اساساً نظارتی بر آن در بطن امر وجود ندارد، متصور نیست؛ البته نقش دادگاه در خصوص قرارهای تأمین کیفری در مواردی هم که به دلیل اعتراض به قرار صادره در دادرسی از طرف ذی‌نفع مطرح شده است، برجسته است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، وکیل دادگستری، در خصوص تغییر قرار تأمین صادره در دادگاه چنین اظهار کرد که «تغییر یا تخفیف قرار تأمین کیفری بیشتر در مقام رسیدگی‌کننده به اعتراض به قرار

تأمین کیفری است و شخص با تعامل با دادرس رسیدگی‌کننده، موفق به تغییر قرار تأمین می‌شود. در پرونده‌ای با عنوان اتهامی کلاهبرداری، بازپرس قرار وثیقه به مبلغ ۴ میلیارد تومان صادر کرده بود که با اعتراض بنده به قرار، پرونده به شعبه کیفری دو که دادرس ایشان از دوستان بنده بود، ارجاع شد که ایشان نیز بعد از صحبت با این جانب، مبلغ قرار را به ۴۰۰ میلیون تومان تقلیل داد.»

ج. تخفیف (بهبود) وضعیت متهم نسبت به تحقیقات مقدماتی دادسرا

در قانون مجازات اسلامی و همچنین، قوانین خاص موجود در خصوص برخی از اعمال مجرمانه، شرایطی از جمله تعدد و تکرار جرم^۱، تعدد مرتکبین^۲، میزان و مقدار موضوع جرم^۳ پیش‌بینی شده است که می‌تواند منجر به تشدید مجازات برای شخص شود. بنابراین، رد وجود این شرایط یا از بین بردن مدارک اثباتی آن، می‌تواند شخص را از تحمل شرایط مشدده موجود رها سازد. در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۴، بازپرس یکی از دادسراهای ویژه، اعلام می‌دارد که «در جرائم سازمان‌یافته، قانون قابل تفسیر است. مثلاً در قانون آمده است «۳ نفر»^۴، اما تفسیر اینکه

۱. ازجمله ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «از تمام آثار قابل انتقال موجود در صحنه جرم که در کشف جرم مؤثر است باید به میزان لازم برداشت و به‌نحوی مهروموم نمود که در معرض تلف نباشد» و ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود».

۲. ازجمله ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد، مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد. ۱. سرقت در شب واقع شده باشد. ۲. سارقین دو نفر یا بیشتر باشند. ۳. یک یا چند نفر از آن‌ها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند. ۴. از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت، خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنا یا مهیا برای سکنا یا توابع آن است، سرقت کرده باشند. ۵. در ضمن سرقت، کسی را آزار یا تهدید کرده باشند».

۳. بند ۴ ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷: «برای تولید، فروش و... بیش از ۵ کیلوگرم تریاک مجازات اعدام را پیش‌بینی نموده است».

۴. تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد».

۳ نفر باید مباشر باشد یا صرف وجود ۳ نفر اعم از مباشر یا معاون و... کفایت می‌کند، تصریحی ندارد. در اینجا قاضی پرونده می‌تواند با تعامل با شخص، تفسیر به نفع او را ترجیح دهد» یا طبق گفته مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، وکیل دادگستری، «در پرونده‌ای با عنوان ایراد جراحت با چاقو که مجازات آن علاوه بر دیه واجد جنبه عمومی است، با وجود نظریه پزشکی قانونی مبنی بر اصابت جسم تیز و برنده به بدن شخص، دادرس به جهت تعامل با وکیل پرونده، پرونده را جهت انجام تحقیقات به صورت نامحسوس به ضابط مورد اعتماد ارجاع کرد و ضابط مربوطه در صورت جلسه تنظیمی وجود چاقو در دست متهم را به استناد تحقیق محلی و اظهارات اهالی محل رد کرد بدون اینکه اصلاً در محل حضور یابد یا از اهالی محل تحقیقی انجام دهد».

از طرف دیگر، ایجاد بعضی از شرایط می‌تواند شخص را در وضعیت مساعد نسبت به اشخاص در شرایط مساوی با او قرار دهد یا شرایطی را برای انجام برخی اقدامات از طرف او فراهم سازد از جمله ایجاد امکان ارتباط با بستگان و ملاقات با آنان، اعطای مرخصی به شخص بازداشت‌شده جهت فرار یا تأثیرگذاری بر شهود و شاکی، رفع توقیف از اموال متهم که در حین تحقیقات توقیف شده است به بهانه اینکه این اموال جزو مستثنیات دین بوده یا مطابق با ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی، جزو اموالی نیست که باید ضبط یا معدوم شود^۱. در واقع، زمانی که ذی‌نفعان از طریق تعاملات نتوانسته‌اند مسئله مربوط به عدم تحمیل مسئولیت کیفری یا مختومه شدن پرونده را حل کنند، می‌توانند با تعاملات فاسد، امکان اتخاذ چنین تصمیماتی را در پرونده فراهم کنند.

د. صدور حکم به مجازات مساعدتر به حال شخص با تعیین شرایط مطلوب

ممکن است در خصوص یک پرونده چنان همه چیز مشخص و واضح باشد که مقام قضایی تعامل‌کننده، صدور حکم برائت یا مختومه کردن پرونده را صلاح نداند و نخواهد بر صلاحیت قضایی خود نیز خدشه‌ای وارد کند، لیکن تعاملات فاسد را در بستر تعیین و اجرای مجازات که با توجه به حفظ ظاهر رعایت قوانین در محکومیت شخص مجرم و با توجه به اختیاراتی که مواد قانونی به وی داده است، بستری امن‌تر است، جاری سازد. میزان مجازات در خصوص جرائم طبق اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها در قوانین مشخص و تصریح می‌شود، لیکن همین قوانین

۱. طبق تجربیات و اظهارات مصاحبه‌شونده شماره ۷، دادیار دادرسی عمومی و انقلاب.

کیفری نیز ابزارهای مختلفی را در اختیار مقام قضایی جهت تعیین مجازات و نحوه اجرای آن داده است که می‌تواند منجر به سوءاستفاده از آن‌ها در ورود به تعاملات فاسد شود. طبق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی دادگاه در صدور حکم تعزیری با رعایت مقررات قانونی باید انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم، سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی را در نظر بگیرد. این ماده به‌نوعی قرینه‌ای بر پذیرش اصل فردی بودن مجازات‌ها^۱ در قانون مجازات اسلامی است که در مواد دیگر این قانون نیز مصادیق متعدد دیگری دارد. از جمله این مصادیق می‌توان به پیش‌بینی کیفیات مخففه اعم از قانونی^۲ و قضایی^۳، نهاد تعویق (مواد ۴۰ تا ۴۵) و تعلیق اجرای مجازات (مواد ۴۶ تا ۵۵)، مجازات جایگزین حبس (مواد ۶۳ تا ۸۶)، توبه مجرم (مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹) قبل از صدور حکم و نظام‌هایی همچون نظام نیمه‌آزادی (مواد ۵۶ تا ۵۸) و آزادی مشروط (مواد ۵۸ تا ۶۳) اشاره کرد. در اکثر مواد پیش‌گفته و

۱. اصل فردی کردن مجازات به معنی اعمال مجازات متناسب با شخصیت و ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی فرد مجرم است؛ یعنی باید هر مجرم بر اساس ویژگی‌های شخصیتی خودش مجازات شود. باید به جایگاه اجتماعی مجرم، سابقه کیفری مجرم و... نیز توجه شود و در مجازات هرکس، این ویژگی‌ها در نظر گرفته شود.

۲. ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ می‌شوند، قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به‌واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به‌نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند، بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضایی مربوط و موافقت دادگاه یا با تشخیص دادگاه، در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند مگر آنکه احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های مذکور معاف خواهند شد».

۳. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به‌نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد، به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند.

الف. تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر. ب. تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه. پ. تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار. ت. تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال. ث. تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر. تبصره: چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به‌موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود».

نظام‌های پیش‌بینی‌شده در خصوص فردی ساختن مجازات، تشخیص و احراز شرایط قیدشده در اختیار قاضی رسیدگی‌کننده قرار گرفته است ازجمله ملاحظه وضعیت خانوادگی، اجتماعی و پیش‌بینی اصلاح مرتکب در صدور قرارهای تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، تشخیص جبران ضرر و زیان در حد استطاعت محکوم در آزادی مشروط، احراز ندامت و اصلاح مرتکب در نظام توبه، مواردی است که تماماً در اختیار دادگاه رسیدگی‌کننده است و مقام قضایی مربوطه می‌تواند با سوءاستفاده از این اختیارات، در مورد رهایی از مجازات با اعطای مجازات جایگزین، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، تخفیف در مجازات و صدور حکم به حداقل مجازات، اتخاذ تصمیم کند. مثال این مورد را می‌توان در پرونده مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، وکیل دادگستری، مشاهده کرد؛ «خود من پرونده‌ای داشتم که در آن کارمند دادگستری متهم به اخذ رشوه شده بود که وجود اسناد واریزی مبالغ و اقرار خود رشوه‌دهنده و شهادت یک ناظر بر آن، انجام جرم را اثبات می‌کرد. قاضی دادگاه کیفری، مبلغ یک میلیارد تومان را برای صدور تعلیق مجازات از وکیل پرونده درخواست کرد که با پرداخت یک میلیارد تومان، عنوان اتهامی به تحصیل مال از طرق غیرمشروع تغییر کرد و حکم مجازات به استناد پیش‌بینی اصلاح و ابراز ندامت او تعلیق شد و در مهلت تجدیدنظرخواهی است». همچنین، با توجه به اینکه برای برخی از جرائم، مجازات متعددی پیش‌بینی شده است^۱ که انتخاب یکی از آن‌ها در اختیار قاضی رسیدگی‌کننده است، در این صورت انتخاب مجازات مساعد برای محکوم نیز می‌تواند موجب اخاذی قاضی یا ورود او به بستر تعاملات فاسد شود. مصاحبه‌شونده شماره ۳، وکیل دادگستری، معتقد است که «در پرونده‌هایی که شاکی خصوصی ندارند و مجازات سنگینی نیز برای آن‌ها در قانون پیش‌بینی شده است ازجمله مواد مخدر یا زمین‌خواری، به دلیل اینکه کسی نیست تا نسبت به نتیجه امر اعتراض کند، بستر مساعدی برای تعاملات فاسد جهت صدور مجازات مناسب به حال شخص و در نتیجه، تغییر تمام شرایط پرونده جهت توجیه مجازات صادره را فراهم می‌سازد».

۱. همچون ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و اختیار قاضی در صدور حکم حبس یک تا سه سال یا جزای نقدی از ۶ تا ۱۸ میلیون ریال.

۳.۳.۳. دادگاه تجدیدنظر

از آنجاکه اشتباهات احتمالی قضات - خواه عمدی یا غیرعمدی - فقط از طریق فرم‌های تجدیدنظر رایج یا خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد، قضاتی که انحصار محاکمات آخرین مرحله را دارند، منطقه آسیب‌پذیری را برای انجام تعاملات فاسد نشان می‌دهند. تا زمانی که دادگاه دیگری برای ارزیابی احکام دادگاه‌های بدوی وجود نداشته باشد، قضات تجدیدنظر برخلاف قضات دادگاه‌های رده پایین‌تر، «هدف» انتخابی برای تعاملات فاسد خواهند بود. روند تجدیدنظر که راهی مهم برای جبران خسارت در مواردی است که طرفین حکم صادره را اشتباه تصور می‌کنند و نسبت به آن اعتراض دارند، فرصت‌های دیگری را برای فساد قضایی ایجاد می‌کند. غربالگری درخواست‌های تجدیدنظر و زمان رسیدگی به آن‌ها، غالباً شفاف نیست و کاملاً در اختیار شعبه رسیدگی‌کننده است. جلسات تجدیدنظر در اکثر مواقع بدون حضور طرفین دادرسی تشکیل می‌شود که امکان تغییر یا الحاق مواردی به درخواست تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر را فراهم می‌کند. در نتیجه، نحوه رسیدگی و بررسی پرونده مبهم و ناآشکار است. رسیدگی به یک پرونده ممکن است ماه‌ها در تجدیدنظر به طول بینجامد یا برعکس در اسرع وقت و زودتر از موعد معمول رسیدگی شود.^۱ بنا بر اظهار نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱، وکیل دادگستری، «در پرونده‌ای، طبق تعاملاتی که داشتیم، درخواست تجدیدنظر در روز ثبت به شخص مقابل جهت تبادل ابلاغ و در روز سیزدهم هم منجر به صدور رأی شد». قضات تجدیدنظر با توجه به اینکه قدرت پایان دادن به پرونده را دارند، غالباً مورد توجه طرفین برای انجام تعاملات هستند و به دلیل مزایای بالای پیشنهادشده، انگیزه مقامات به ورود در توافقات فاسد بالاست. در نتیجه، یک طرف با منابع محدود، اما دلایل مشروع، ممکن است نتواند در پرونده، نتیجه مطلوب خود را تحصیل کند (TI Secretara, 2007). از طرف دیگر، همان‌گونه که مصاحبه‌شونده شماره ۲۸، قاضی تجدیدنظر، بیان کرده است، این تعاملات مابین قضات بدوی و تجدیدنظر نیز متصور بوده و وجود توافق ثابت بین قضات بدوی و دادگاه‌های تجدیدنظر در مورد تأیید احکام دادگاه‌های بدوی بر

۱. موارد مذکور از اظهارات مصاحبه‌شونده شماره ۹، قاضی دیوان عالی کشور با بیش از ۲۰ سال سابقه کار قضایی استخراج شده است.

اساس توافق‌های فسادآمیز، امکان‌پذیر است.

باید به این مهم توجه کرد که معمولاً فساد قضات دادگاه‌های عالی هیچ‌وقت کشف نمی‌شود. در واقع، تخلفات این قضات در صدور آرای غیرقانونی آشکار نمی‌شود. توضیح احتمالی برای این امر می‌تواند این باشد که پیچیدگی پرونده‌های ارائه‌شده در دادگاه‌های بالاتر، فضای بیشتری را برای دست‌کاری و سوءاستفاده از اختیارات باز می‌کند. از طرف دیگر، قضات عالی عموماً در تفسیر قانون دارای مهارت و توانایی بیشتری هستند و از این رو توانایی بهره‌برداری از ابهامات قانونی و رویه‌ای را برای اهداف فاسد دارند. از سوی دیگر، پرونده‌های «فساد جمعی» بیشتر در دادگاه‌های بالاتر رخ می‌دهد که با توجه به جمع بودن تمام عوامل (اشخاص نظارت‌کننده همچون قضات دادگاه‌های عالی انتظامی و مقامی که باید پاسخ‌گو باشد)، در این مرحله کشف و آشکار شدن آن‌ها عملاً غیرممکن است (Peerenboom, 2009, p. 215). بنا بر اظهار نظر مصاحبه‌شونده شماره ۶، دادیار یکی از دادرهای ویژه، «قضات با سابقه بالا و تجربه بیشتر، معمولاً ترس کمتری نسبت به قضات تازه‌کار شاغل در دادرها دارند. این اشخاص اگر بخواهند فساد بکنند واهمه کمتری دارند؛ زیرا هم در میان مقامات نظارت‌کننده نفوذ بیشتری دارند و هم راه‌وچاه انجام کار را بهتر می‌دانند».

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی و کشف جلوه‌ها و مصادیق تعاملات فاسد در مراحل مختلف دادرسی در نظام عدالت کیفری و ارتباط بین ویژگی‌ها و اختیارات مقامات در فرایند کیفری صورت گرفت و یافته‌های آن نشان داد که مرحله اولیه در تعقیب و تحقیق یک اتهام در دادرها به دلیل سرمنشأ بودن کشف یک جرم و ادله اثبات آن و وجود اختیارات مقامات این مرحله در نحوه هدایت مسیر یک پرونده و عدم وجود نظارت مستمر و کافی بر اقدامات این اشخاص، بستر مساعدی برای تعاملات فاسد بوده و مصادیق و جلوه‌های این تعاملات در این مرحله از تنوع گسترده‌ای برخوردار است. قضات دادگاه‌ها نیز با توجه به اختیار خود در تحقیقات مجدد و همچنین، رد تحقیقات انجام‌یافته در دادرها، می‌توانند موقعیت و وضعیت قانونی شخص متهم را نسبت به دادرها تغییر دهند و در نتیجه، در صدور حکم برائت یا محکومیت، انتخاب نوع و نحوه اجرای مجازات وارد تعامل با اشخاص ذی‌نفع شوند. همچنین، این تحقیق نشان داد که چگونه مقامات در مراحل بالاتر به دلیل تجارب بالای این اشخاص در قانونی‌سازی ظواهر اقدامات انجام‌یافته و تحلیل

به‌ظاهر درست از آن با سوءاستفاده از اختیارات خود و ضعف‌های قوانین جاری، مورد توجه مراجعین دادگاه در رجوع به آن‌ها برای تعاملات فاسد قرار می‌گیرند.



این مقاله - حسب اظهار نویسندگان - مستخرج است از رساله دکتری نویسنده اول، که تحت عنوان «تعاملات منجر به فساد قضایی در ایران؛ جلوه‌ها و آثار آن بر دادرسی عادلانه» در دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس از آن دفاع به عمل آمده است.

منابع

- ۱) آلبرشت، هانس یورگ (۱۳۸۸). فساد و کنترل فساد؛ نگاهی به پدیده فساد با رویکردی به اسناد بین‌المللی در زمینه پیشگیری و منع فساد (مجید قورچی بیگی، مترجم). فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، شماره‌های ۱۷ و ۱۸.
- ۲) پژوهشکده مطالعات پایه (۱۴۰۰). ارزیابی فساد قضایی در آمریکای مرکزی و پاناما و سازوکارهای مقابله با آن (سمیه عالی، مترجم). پژوهشگاه قوه قضائیه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ۳) حسینی، داوود، حبیبی، لیلی و آقاجعفری مهدیه (۱۳۹۳). بررسی علت‌های قانونی-قضایی فساد و ارزیابی وضعیت راهبردهای قانونی-قضایی برای مبارزه با فساد. نظارت و بازرسی، سال ۸، شماره ۲۸، صص. ۸۳-۱۱۶.
- ۴) دولتنخواه پاشاکی، پیمان (۱۴۰۰). سازوکارهای کنترل فساد قضایی در نظام عدالت کیفری. چاپ ۱، تهران: مهرکلام.
- ۵) سازمان شفافیت بین‌الملل (۱۳۹۵). فساد در نظام‌های قضایی؛ گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل (لیلی منفرد، مترجم). مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ۶) طاهری، احد و طباطبایی، محمدصادق (۱۳۹۹). تبیین راهکارهای مبارزه با فساد قضایی در نظام دادرسی مدنی ایران. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۲، صص. ۲۵۸-۳۰۲.
- ۷) معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات کسب‌وکار) (۱۳۹۷). پایش امنیت سرمایه‌گذاری در زمستان ۱۳۹۶ به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری. تهران.
- 8) Analysis of the criminal justice system's response to corruption (Bosnia and Herzegovina): Technical report. (2017, January).
- 9) Anyshchenko, A. (2010). Transformation of the Ukrainian public prosecution according to the European democratic standards in comparison with the Baltic states (Master's thesis, University of Twente).
- 10) Ayers, I. (1997). The twin faces of judicial corruption: Extortion and bribery. Yale Law School Scholarship Repository, 1(1), 1213-1253.
- 11) Balko, R. (2013, August 1). The untouchables: America's misbehaving prosecutors, and the system that protects them. Huffington Post.
- 12) Benson, B. L. (1988). An institutional explanation for corruption of criminal justice officials. Cato Journal, 8, 139.
- 13) Braimah, A. I. (2016). Are judges corrupt? An empirical analysis of the Ghana judiciary. Journal of Humanities and Social Science, 21(8), 12-21.
- 14) Brooks, G. (2016). Criminology of corruption. London, UK: Palgrave Macmillan.

- 15) Brooks, G. (2019). Criminal justice and corruption: State power, privatization and legitimacy. Palgrave Macmillan.
- 16) Brooks, G., Walsh, D., Lewis, C., & Kim, H. (2013). Preventing corruption: Investigation, enforcement and governance. Springer.
- 17) Burkhardt, B. C. (2014). Private prisons in public discourse: Measuring moral legitimacy. *Sociological Focus*, 47(4), 279-298.
- 18) Buscaglia, E. (2001). An analysis of judicial corruption and its causes: An objective governing-based approach. *International Review of Law and Economics*, 21(2), 233-249.
- 19) Buscaglia, E., & Ruiz, S. G. (2002). How to design a national strategy against organized crime and public sector corruption in the framework of the United Nations' Palermo Convention. In *The fight against organized crime*. New York: UNDP Press.
- 20) Council of Europe. (2009). Corruption risk in criminal process and judiciary.
- 21) Danileț, C., & Vasilescu, V. (2010). Corruption and anti-corruption in the justice system. C.H. Beck.
- 22) Deflem, M. (1995). Corruption, law, and justice: A conceptual clarification. *Journal of Criminal Justice*, 23(3), 243-258.
- 23) Gong, T. (2004). Dependent judiciary and unaccountable judges: Judicial corruption in contemporary China. *China Review*, 33-54.
- 24) International Bar Association. (2016). The International Bar Association Judicial Integrity Initiative: Judicial systems and corruption. IBA.
- 25) Jenkins, S. (2013). Miscarriages of justice and the discourse of innocence: Perspectives from appellants, campaigners, journalists, and legal practitioners. *Journal of Law and Society*, 40(3), 329-355.
- 26) Knapp Commission. (1972). The Knapp Commission report on police corruption. New York: George Braziller.
- 27) Kutner, J. (2014). In South Africa: Corrupt prosecutors an ever-larger problem. *Christian Science Monitor*, 2.
- 28) Li, L. (2010). Legality, discretion and informal practices in China's courts (Unpublished doctoral dissertation). Leiden University.
- 29) Lindgren, J. (1987). The elusive distinction between bribery and extortion: From the common law to the Hobbs Act. *UCLA Law Review*, 35, 815.
- 30) Miller, G. P. (2004). Bad judges. *Texas Law Review*, 83(2), 431-487.
- 31) Neil, M. (2014, February 11). Former district attorney gets 13 years in federal corruption case over his work as a prosecutor. *American Bar Association Journal*.
- 32) Nielsen, Elizabeth, & Heindel, Anne. (n.d.). Fair trial implications of corruption allegations at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. Documentation Center of Cambodia.
- 33) Peerenboom, R. (Ed.). (2009). Judicial independence in China: Lessons for global rule of law promotion. Cambridge University Press.
- 34) Ríos-Figueroa, J. (2012). Justice system institutions and corruption control: Evidence from Latin America. *Justice System Journal*, 33(2), 195-214.

- 35) Schütte, S. A., Jennett, V., Messick, R. E., Albanese, J. S., Gramckow, H., & Hill, G. (2015). Corruption risks in the criminal justice chain and tools for assessment. U4 Issue.
- 36) Sengupta, K. (1998, October 12). Corruption inquiry into Crown Prosecution Service. The Independent.
- 37) Sherman, L. W. (1978). Scandal and reform: Controlling police corruption. University of California Press.
- 38) Sherman, L. W. (Ed.). (1974). Police corruption: A sociological perspective. New York: Anchor Press.
- 39) Transparency International Secretariat. (2007). Combating corruption in judicial systems: Advocacy toolkit. Transparency International.
- 40) Voigt, S., & Gutmann, J. (2015). On the wrong side of the law—Causes and consequences of a corrupt judiciary. International Review of Law and Economics, 43, 156–166.
- 41) Wagner, B. B., & Jacobs, L. G. (2008). Retooling law enforcement to investigate and prosecute entrenched corruption: Key criminal procedure reforms for Indonesia and other nations. University of Pennsylvania Journal of International Law, 30, 183.

References

- 1) Albrecht, Hans-Jorg (1388 SH/2009). Fasād va Kontrol-e Fasād; Negāhī beh Padīdeh-ye Fasād bā Rūykerdī beh Asnād-e Beynalmelalī dar Zamīneh-ye Pīšgīrī va Man‘-e Fasād (Majid Ghoorchi Beygi, Trans.) [Corruption and Corruption Control: A Look at the Phenomenon of Corruption with an Approach to International Instruments in the Field of Corruption Prevention and Prohibition]. Faslnameh-ye Ettela'resani-ye Hoquqi [Legal Information Quarterly Journal], Nos. 17-18 [in Persian].
- 2) Analysis of the criminal justice system's response to corruption (Bosnia and Herzegovina): Technical report. (2017, January).
- 3) Anyshchenko, A. (2010). Transformation of the Ukrainian public prosecution according to the European democratic standards in comparison with the Baltic states (Master's thesis, University of Twente).
- 4) Ayers, I. (1997). The twin faces of judicial corruption: Extortion and bribery. Yale Law School Scholarship Repository, 1(1), 1213-1253.
- 5) Balko, R. (2013, August 1). The untouchables: America's misbehaving prosecutors, and the system that protects them. Huffington Post.
- 6) Benson, B. L. (1988). An institutional explanation for corruption of criminal justice officials. Cato Journal, 8, 139.
- 7) Braimah, A. I. (2016). Are judges corrupt? An empirical analysis of the Ghana judiciary. Journal of Humanities and Social Science, 21(8), 12-21.
- 8) Brooks, G. (2016). Criminology of corruption. London, UK: Palgrave Macmillan.
- 9) Brooks, G. (2019). Criminal justice and corruption: State power, privatization and legitimacy. Palgrave Macmillan.
- 10) Brooks, G., Walsh, D., Lewis, C., & Kim, H. (2013). Preventing corruption: Investigation, enforcement and governance. Springer.
- 11) Burkhardt, B. C. (2014). Private prisons in public discourse: Measuring moral legitimacy. Sociological Focus, 47(4), 279-298.
- 12) Buscaglia, E. (2001). An analysis of judicial corruption and its causes: An objective governing-based approach. International Review of Law and Economics, 21(2), 233-249.
- 13) Buscaglia, E., & Ruiz, S. G. (2002). How to design a national strategy against organized crime and public sector corruption in the framework of the United Nations' Palermo Convention. In The fight against organized crime. New York: UNDP Press.
- 14) Council of Europe. (2009). Corruption risk in criminal process and judiciary.
- 15) Danileț, C., & Vasilescu, V. (2010). Corruption and anti-corruption in the justice system. C.H. Beck.
- 16) Deflem, M. (1995). Corruption, law, and justice: A conceptual clarification. Journal of Criminal Justice, 23(3), 243-258.
- 17) Dowlatkah Pashaki, Peyman (1400 SH/2021). Sāzūkārḥā-ye Kontrol-e Fasād-e Qazā'ī dar Neẓām-e 'Adālat-e Keyfarī (1st ed.) [Mechanisms of Judicial Corruption Control in the Criminal Justice System]. Tehran: Mehr-e Kalam [in Persian].

- 18) Gong, T. (2004). Dependent judiciary and unaccountable judges: Judicial corruption in contemporary China. *China Review*, 33–54.
- 19) Hosseini, Davoud, Habibi, Lili, & Aghajafari, Mahdīyeh (1393 SH/2014). Barresi-ye 'Elat-hā-ye Qānūnī-Qazā'i-ye Fasād va Arzyābī-ye Vaz'iyat-e Rāhbard-hā-ye Qānūnī-Qazā'i barāye Mobārazeh bā Fasād [Investigating the Legal-Judicial Causes of Corruption and Assessing the Status of Legal-Judicial Strategies to Combat Corruption]. *Nezarat va Bazresi [Supervision and Inspection Journal]*, Vol. 8, No. 28, pp. 83–116 [in Persian].
- 20) International Bar Association. (2016). The International Bar Association Judicial Integrity Initiative: Judicial systems and corruption. IBA.
- 21) Jenkins, S. (2013). Miscarriages of justice and the discourse of innocence: Perspectives from appellants, campaigners, journalists, and legal practitioners. *Journal of Law and Society*, 40(3), 329–355.
- 22) Knapp Commission. (1972). The Knapp Commission report on police corruption. New York: George Braziller.
- 23) Kutner, J. (2014). In South Africa: Corrupt prosecutors an ever-larger problem. *Christian Science Monitor*, 2.
- 24) Li, L. (2010). Legality, discretion and informal practices in China's courts (Unpublished doctoral dissertation). Leiden University.
- 25) Lindgren, J. (1987). The elusive distinction between bribery and extortion: From the common law to the Hobbs Act. *UCLA Law Review*, 35, 815.
- 26) Miller, G. P. (2004). Bad judges. *Texas Law Review*, 83(2), 431–487.
- 27) Neil, M. (2014, February 11). Former district attorney gets 13 years in federal corruption case over his work as a prosecutor. *American Bar Association Journal*.
- 28) Nielsen, Elizabeth, & Heindel, Anne. (n.d.). Fair trial implications of corruption allegations at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. Documentation Center of Cambodia.
- 29) Office of Economic Studies (Business Studies Group), Department of Economic Research of Islamic Parliament Research Center (1397 SH/2018). Pāyesh-e Amniyat-e Sarmāyeh-gozāri dar Zemestān-e 1396 beh Tafkik-e Ostānhā va Hōwzeh-hā-ye Kāri [Monitoring Investment Security in Winter 2018 by Provinces and Business Sectors]. Tehran: Islamic Parliament Research Center [in Persian].
- 30) Peerenboom, R. (Ed.). (2009). Judicial independence in China: Lessons for global rule of law promotion. Cambridge University Press.
- 31) Research Institute of Basic Studies (1400 SH/2021). Arzyābī-ye Fasād-e Qazā'i dar Āmrīkā-ye Markazī va Pānāmā va Sāzūkār-hā-ye Moqābeleh bā Ān (Somayeh Aali, Trans.) [Assessment of Judicial Corruption in Central America and Panama and Mechanisms to Combat It]. Tehran: Judiciary Research Institute & Judiciary Press and Publication Center [in Persian].
- 32) Ríos-Figueroa, J. (2012). Justice system institutions and corruption control: Evidence from Latin America. *Justice System Journal*, 33(2), 195–214.
- 33) Schütte, S. A., Jennett, V., Messick, R. E., Albanese, J. S., Gramckow, H., & Hill,

- G. (2015). Corruption risks in the criminal justice chain and tools for assessment. U4 Issue.
- 34) Sengupta, K. (1998, October 12). Corruption inquiry into Crown Prosecution Service. The Independent.
- 35) Sherman, L. W. (1978). Scandal and reform: Controlling police corruption. University of California Press.
- 36) Sherman, L. W. (Ed.). (1974). Police corruption: A sociological perspective. New York: Anchor Press.
- 37) Taheri, Ahad, & Tabatabai, Mohammad Sadiq (1399 SH/2020). Tabyīn-e Rāhkārḥā-ye Mobārāzeh bā Fasād-e Qazā'ī dar Neẓām-e Dādrasī-ye Madanī-ye Īrān [Explaining Strategies to Combat Judicial Corruption in Iran's Civil Procedure System]. Faslnameh-ye Motale'at-e Hoquq-e Khososi [Private Law Studies Quarterly Journal], Vol. 50, No. 2, pp. 258-302 [in Persian].
- 38) Transparency International (1395 SH/2016). Fasād dar Neẓām-hā-ye Qazā'ī; Gozāreš-e Sāzmān-e Šaffāfiyat-e Beynalmelal (Lili Monfared, Trans.) [Corruption in Judicial Systems; Report of Transparency International]. Tehran: Judiciary Press and Publication Center [in Persian].
- 39) Transparency International Secretariat. (2007). Combating corruption in judicial systems: Advocacy toolkit. Transparency International.
- 40) Voigt, S., & Gutmann, J. (2015). On the wrong side of the law-Causes and consequences of a corrupt judiciary. International Review of Law and Economics, 43, 156-166.
- 41) Wagner, B. B., & Jacobs, L. G. (2008). Retooling law enforcement to investigate and prosecute entrenched corruption: Key criminal procedure reforms for Indonesia and other nations. University of Pennsylvania Journal of International Law, 30, 183.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی